بنام خدای بخشنده و مهربان

غلط اندر غلط !!

یکی از سایت‌های اینترنتی که عربی‌ستیز و اسلام‌گریز شمـــرده می‌شود! اخیراً ابتکاری بخرج داده و حدیثی از کتاب "سفینه البحار" اثر شیخ عباس قمی یافته و آنرا به نمایش گذارده‌است تا به خیال خود ثابت کند که اسلام با ایرانیان به سختی مخالفت ورزیده‌است! جناب نویسنده که در آگاهی از زبان عربی، بی‌مایه و در اطلاع از علم حدیث بکلی تهی‌دست است، حتی به این فکر نیافتاده که ترجمه سراپا مغلوط خود را به عربی‌دانی نشان دهد و سپس آنرا در معرض دید جهانیان بگذارد! بلکه جرأت ورزیده و ترجمه‌ای را به میان آورده که از دیدگاه اهل نظر به کلی مردود است.

بنا به ترجمه ایشان: امام حسین[ع] فرموده‌اند که دوستان ما عرب هستند و ایرانیان دشمن ما شمرده می‌شوند! سپس آورده که باید زنان ایرانی را به کنیزی فروخت و مردانشان را به غلامی و بیگاری گرفت! در حالیکه مطلب به کلی سوای این سخنان است، زیرا:

اولاً حدیث مزبور، مروی از امام صادق[ع] است، نه امام حسین[ع] و منشاء اشتباه نویسنده، دو کلمه "ابی عبدالله" بوده که کنیه امام حسین و امام صادق هر دو است ولی در این حدیث، مقصود از ابی عبدالله، امام صادق می‌باشد زیرا راوی متصل در حدیث ایشان، ضریس بن عبدالملک نام دارد که از معاصران امام صادق بوده چنانکه شیخ طوسی در فهرست خود آورده است.

ثانیاً آنچه آمده که امام صادق فرمود: دوستان ما عرب و دشمنانمان عجم‌اند، مربوط به آن روزگار است که ایرانیان در دوره حکومت اموی‌ها می‌زیستند و مذهب عامه مردم را داشتند و طرفدار حکومت وقت بودند نه مربوط به ایرانیان امروز که از اموی‌ها تبری می‌جویند و خود را (حتی بیش از اندازه!) دوستان آل محمد[ص] می‌شمرند.

ثالثاً آنچه در پی حدیث آمده که دستور اسارت و بیگاری ایرانیان را داده است مربوط به رأی عمربن خطاب خلیفه دوم است نه رأی امام صادق! چنانکه می‌نویسد: «سوءُ رأی الثانی فی الأعاجم ...» یعنی: «رأی بد و ناشایست خلیفه دوم درباره عجم‌ها». نویسنده بی‌اطلاع گمان نموده که این عنوان، دنباله حدیث امام صادق است و توجه نداشته که کتاب سفینه البحار در حکم فهرست بحار الأنوار مجلسی است و عناوین بحار الأنوار را معمولاً در پی احادیث می‌آورد.

رابعاً اینکه می‌نویسد خلیفه ثانی فرمود زنان ایرانی را بفروشند و مردان را به بیگاری بکشند، پشت سر این عبارت آمده که علی علیه السلام با این رأی مخالفت نمود و گفت: «إن النبی صلی الله علیه و آله و سلم أکرموا کریم قوم و إن خالفوکم و هؤلاء الفرس حکماء کرماء فقد آلقوا إلینا السلام و رغبوا فی الإسلام و قد اعتقت منهم لوجه الله حقی و حق بنی هاشم (سفینه البحار، ج 2، ص ۱۶۴ ذیل واژه عجم)». یعنی: «پیامبر[ص] فرمود که اشخاص بزرگوار از هر قوم را گرامی دارید هر چند با شما مخالفت نموده باشند و این ایرانیان مردمی فرزانه و بزرگوارند که اظهار صلح به ما کردند و

رغبت در اسلام نمودند و من برای رضای خدا از حق خود و بنی هاشم بخشی از این اسیران را آزاد ساختم». پس چگونه می‌توان نتیجه گرفت که این حدیث نشان می‌دهد اسلام با ایرانی مخالف است؟!

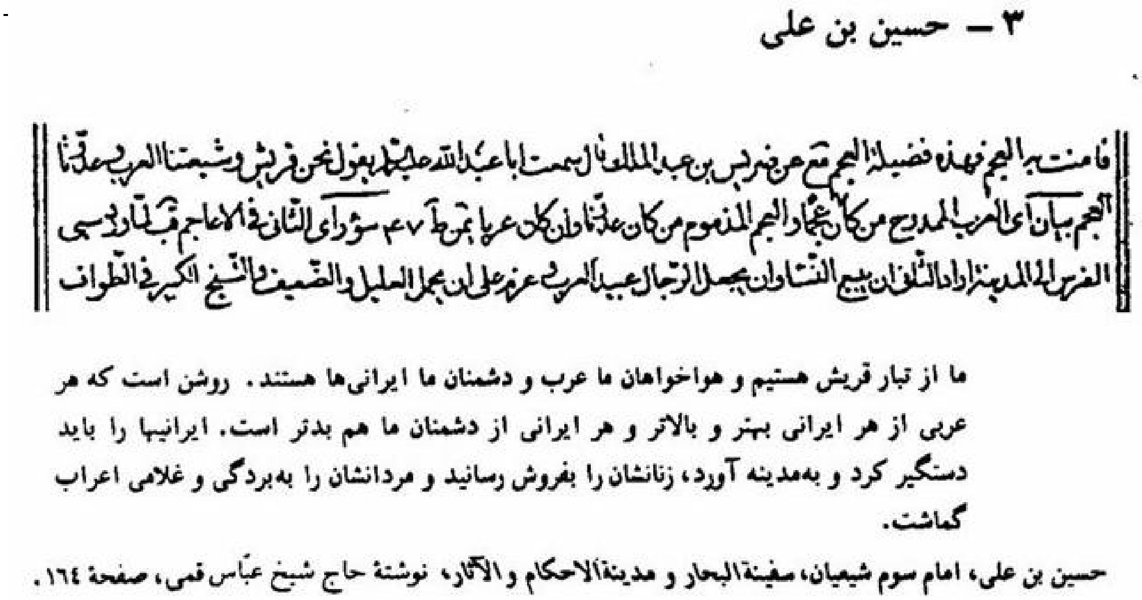
خامساً در پی همین حدیث، احادیثی چند آمده در مدح ایرانیان بطوریکه عنوان بالای صفحه کتاب "مدح العجم و ما یتغلق بهم" ضبط شده است.

سادساً سند این حدیث بلحاظ علم رجال، ضعیف است و اساساً معلوم نیست خلیفه ثانی چنین دستوری درباره اسیران ایرانی داده باشد! بعید نیست که با توجه به شرایط زمان صفویه، حدیث مزبور را به قصد ایجاد شکاف بین شیعه و سنی، ساخته و پرداخته باشند (والله اعلم).

با آرزوی هدایت شایستگان

مصطفی حسینی طباطبایی

پیوست:



۳ — حسین بن علی

فامّا ما فی فضیلة العجم ... عن عمرو بن ... عبد الملك قال سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول نحن قریش وشیعتنا العرب وعدوّنا
العجم بیان ای العرب الممدوح من كان ... والعجم المذموم من كان عدوّنا وان كان عربیا ... فی الاعاجم ...
... الی المدینة ... ان یبیع النساء وان یجعل الرجال عبید العرب ... علی ان یحمل العلیل والضعیف والشیخ الكبیر فی الطواف

ما از تبار قریش هستیم و هواخواهان ما عرب و دشمنان ما ایرانی‌ها هستند. روشن است که هر عربی از هر ایرانی بهتر و بالاتر و هر ایرانی از دشمنان ما هم بدتر است. ایرانیها را باید دستگیر کرد و به‌مدینه آورد، زنانشان را بفروش رسانید و مردانشان را به‌بردگی و غلامی اعراب گماشت.

حسین بن علی، امام سوم شیعیان، سفینة‌البحار و مدینة‌الاحکام والآثار، نوشتهٔ حاج شیخ عبّاس قمی، صفحهٔ ۱۶٤.